

سهیلا شهبان‌نی (ریشارد)

زبان مهنی

تقسیم کار و توسعه

تحقیق زیر راجع به تغییر در تقسیم کار بین زن و مرد و اتکا بیشتر خانواده هسته‌ای بردست‌مزد مرد می‌باشد. با نشان دادن این جریان نتیجه "توسعه" یا "نوسازی" را بر زنان می‌توانیم مورد تحلیل قرار دهیم.

کلمه "توسعه" یا پیشرفت، گسترش رشد یا تکامل کلماتیست با بار مثبت بدین معنی که وقتی "توسعه" و "نوسازی" بر کشوری روا می‌شود آن کشور جریان مثبتی را در پیش می‌گیرد. در این مقاله "توسعه" و "نوسازی" این بار مثبت را ندارد.

چنانچه خواهیم دید ظاهر فریبنده اقداماتی که نام "توسعه" در ایران رواج داشت، اثرات بسیار منفی نیز در برداشت. این مقاله بمنزله مثال است از اثر توسعه. این اثر بر روی زنان مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

البته باید توجه داشته باشیم که اگر نوسنده دید استقادی نسبت به "توسعه" دارد بدین معنی نیست که بر ضد پیشرفت و یا از بین بردن روابط استثنائی است که بین افراد و یا طبقات وجود داشت (و دارد). بهیچوجه، منظور فقط آنست که آن جریانی را که بر کشور مان مستولی شد با فاصله علمی و بدون اینکه تحت تاثیر لغات مثبتی که برای او رد کردن آن مورد استفاده قرار گرفت، مورد تحقیق قرار دهیم.

دکتر النور لیگاک، انسان‌شناس معروف می‌گوید:

"بدون شک یکی از تغییرات پیاپی و مثبت شده از مناطقی مختلف دنیا از شروع دوره استعمار تنزل مرتبه زن در مقایسه با مرتبه مرد است. دلایل این امر تا اندازه‌ای غیر مستقیم است مثل بوجود آمدن دست‌مزد برای مردان و تجارت کالا های اصلی. این ها باعث شدند که جریان از هم

گستن مجتمع عشیره‌ای و به وجود آمدن خانواده هسته‌ای تندتر صورت گیرد و در نتیجه آن، زنان و کودکان از نظر اقتصادی بر مردان متکی شدند. این جریان را استعمار-ران بوسیله واگذاری رسمی مقامات دیپلمات دولتی و حق قانونی مالکیت به مردان باری کردند. (۱)

دیدگاه‌هایی که انسان‌شناسان و جامعه‌شناسانی که راجع با ایران تحقیق کرده‌اند، دارا بوده‌اند چون سدی در برابر درک چنین وضعی در ایران بوده است. "تحقیقات ناحیه‌ای آمریکا نشان در مورد خاورمیانه تمام اشتباهات شرق‌شناسان را داشته است بدون اینکه نقاط قوی آن را نیز دارا باشد چون عمیق آشنائی بزبان و باهداری در تحقیق.

آمریکائیان مانند انگلیسیها و فرانسویها تجربه طولانی در تحقیق نداشتند و گذشته از این، باورها و منابع مالی نااستواری آنها را پشتیبانی میکرد. مثل تازه بدوران رسیده‌ها آنها از مداومت و هدف روشن برخوردار نبودند. آقاسی بایندر که ریاست اسبق "ما" را بعهده داشت خود میگوید کمبود لیاقت با خافه احساس ناامنی شخصی بر فرصت طلبی این محققان افزوده است. بسیاری از آنها برنامه‌های دولت آمریکا در خاورمیانه را توجیه و تصدیق می‌کنند و دیگران موافق مشتریان استعمارنو در خاورمیانه و افریقای شمالی هستند. در هر دو صورت آنها از پاداشهای مادی تحقیقات خود بهره می‌برند و خود را به بهترین خریدار می‌فروشند. (۲)

متاسفانه راجع به نقش زنان در محیط عشایری و روستائی و شهری در ایران بدان صورت تحقیق انجام نشده است که نشان دهنده سهم زنان در فعالیتهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ایدئولوژی باشد. متاسفانه تحقیقات همراه با چارچوبهای فکری بوده که زن ایرانی را بسیار پائینتر از آنچه که بوده، نشان داده است. جالب اینجاست که زنان محقق ایرانی هم دنبال هر دو محققان خارجی در حمله به زن سنتی ایرانی قدم برداشته‌اند و بجای اینکه از پیش‌داوریهای خارجیان فاصله گرفته و

"خود" را بهتر بشناسند و حقیقت را بیشتر بشناسانند در انتقاد از وضع کلی زن ایرانی کوشیده‌اند.

نوشته خانم سرین پاکیزگی و هایداه افشار و انتقادات کلی که در نوشتجات گروههای سیاسی زنان میشود و بر آتش این انتقادات افزوده است، مثالهایی در این زمینه است. (۳)

اینک به مقدمه کتاب "زنان در دنیای اسلام" گردآوری خانم کدی و پیک افکاره می‌کنیم: اینجانب نیز حمله بر "سنت" است و امید زنان ایرانی را نویسندگان در این میدانند که زن ایرانی به یک "تمدن" غربی دست یابد و جالب اینجاست که روش دست‌یابی باین امید را نیز در نظر دارند.

نویسندگان می‌گویند:

" آنچه که اغلب زنان در کشورهای خاورمیانه در مقایسه با زنان غربی طبقات مختلف و با زنان غنی و تحصیل کرده کشورهای خودشان کم دارند، آزادی انتخاب حتی در خصوص تصمیمات اصلی زندگی است. (۱۱)

و راه حل ارائه شده برای بدست آوردن این "آزادی" مبهم اینست:
" برای قطع رابطه با سنن جامعه در جهت آزادی بیشتر برای زنان و کودکان وحتى مردان لازم است برنامه‌هایی بوجود آید که آنها شیکه به سنت گرایش دارند. بخواست خود در آن برنامه‌ها فعال باشند. این فعالیتها میتواند نه تنها سیستم‌های ارزشی که در حال حاضر موجود است تغییر دهد بلکه در نواحی مختلف میتواند پیشرفتهای مالی نیز در برداشته باشد. (۱۲)

در نوشته دیگری کتاب " زنان در دنیای اسلام" را بیشتر تحلیل کرده و انتقادات دیگری بر آن نوشته‌ام. آنچه در این مقاله از نظر خواهد گذشت، مخالفت با چهره ایست که از زنان ایرانی ترسیم شده و بنظر من این چهره " نادرست خود" سنتی شده است که باید تحلیل شده و اشتباهات عمیقش از میان برداشته شود. (۱۳)

مطالب این مقاله از عشا براسکان شده، ممسنی می‌آید و تحلیل در یک ده از شهرستان ممسنی و خانواده یکی از خوانین گذشته بمدت یکسال صورت گرفت.

شهرستان ممسنی ۸۰۳۲ کیلومتر مربع مساحت دارد و در سال ۱۳۵۱ جمعیت آن ۹۰۰۰۰ نفر بود که ۵/۵٪ شهری و ۹۴٪ کوچه‌رو و بقیه آن روستا نشین بودند. (۱۴)

شهرستان ممسنی دارای دو بخش مهورمیلانی و بخش دیگری است که خود ۵ ناحیه دارد شامل بکش و دشمن زباری و جاویدالله و جاویدماهوری و رستم. کلا ۶۸۲ روستا در شهرستان ممسنی وجود دارد و شهر نورآباد با وصل کردن ۲۵ ده در سال ۱۳۳۱ در ناحیه بکش بنیاد شد.

ده "اویون" محل تحقیق در دشت نورآباد قرار دارد. این ده دارای ۱۲۰ هکتار زمین کشاورزی و ۲ باغ میوه می‌باشد. گیاهان مختلف برای استفاده در غذای روزمره در اطراف ده جمع‌آوری میشوند؛ ۲ گله شامل ۷۰ گوسفند و بز وجود دارد. حدود نصف خانواده‌ها گاودارند که محصولات لبنی آنها صرفا برای استفاده خانوادگی می‌باشد. سه سال قبل از زمان تحقیق (۱۳۵۶ - ۱۳۵۷) شرکت تعاون و تولید در محل شروع بکار کرد و زمین ده جزو این شرکت شد. امروزه حدود ۴۰ خانوار در این ده زندگی میکنند. این تعداد دقیق نیست چه تحرک در خانواده‌های جوان وحتى گاهی خانواده‌های میانسال دیده می‌شود. جمعیت ده دوباره بهمان صورت تقریبی ۲۴۶ نفر می‌باشد.

بحث را با شرحی از فعالیت‌های اقتصادی طبقه پائین جامعه با در نظر گرفتن فعالیت‌های دو جنس زن و مرد شروع می‌کنم. این قسمت یک بازسازی است از زمانی که جامعه روستایی و شبانی کوچ رسود و اسکان نیافته بود. غارت بصورت یک منبع درآمد و شکار بصورت یک فعالیت تفریحی وجود داشت. کشاورزی و دامداری

بصورت دو روش تولید اساسی و جمع آوری گیاهان بصورت یک فعالیت روزانه محسوب می‌شود. چنانچه جامعه خودکفای نبود، معامله نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت. سرانجام تولید مثل و تولید ارزش مصرفی را مورد تحلیل قرار خواهیم داد. فعالیت‌های اقتصادی بوسیله زنان و مردان انجام می‌پذیرفت. بعضی از فعالیت‌ها فقط بوسیله زنان و بعضی دیگر فقط بوسیله مردان صورت می‌گرفت. خطی نامرئی این دو ناحیه فعالیت‌های اقتصادی زنان و مردان را جدا می‌کند. در بعضی مواقع از این خط نامرئی جنسی فرسود گذر می‌کند و جامعه نیز از این گذر را می‌پذیرد. چنین مواقعی را من در این مقاله نشان خواهم داد. چون باید توجه کنیم که تقسیم کار همراه با ارزش‌های می‌باشد که کار یک جنس را بالاتر از دیگری می‌داند و کار دیگری را از نظر مرتبه هر چند لازم باشد پائین‌تر می‌داند. بطوریکه اگر فردی کار جنس دیگر را انجام دهد باعث سرشکستگی او در جامعه می‌شود. مسئله دیگری را نیز در مورد تقسیم کار بر اساس جنس باید توجه داشته باشیم و آن اینست که هرگاه کاری فقط بوسیله یک جنس انجام پذیر بود، آنگاه جنس دیگر کاملاً از طرز کار در آن فعالیت ناآگاه بوده، جنس اول می‌تواند بخاطر دست داشتن به منابع آن کار و دانستن بهره‌برداری از آن جنس دیگر، لورا از آن منبع بیگانه کند و بدین خاطر می‌تواند اوضاعی تحت استعمار قرار دهد. اما هرگاه هر دو جنس در یک فعالیت شرکت داشتند نه دانستن وجود دارد که مورد یادگیری فقط یک جنس باشد نه منوعی که فقط در دسترس یک جنس باشد بنابراین استثماری نمی‌تواند در این مورد انجام پذیرد.

کار و معنی آن

یک مرد تمایل چهره مرد از طبقه پائین یا بالا مورد احترام نیست. هر چند کار هر یک از آنها متفاوت باشد. گرچه کار یک بی‌بی شامل اداره کردن خانوار خود که روزانه دهها و شاید صدها نفر در آن آمدوشد دارند، می‌باشد، اما تصویر او در جامعه زنی است که کار نمی‌کند. یعنی زنی که کارهای روزانه خود را خود انجام نمی‌دهد. در ضمن توجه داشته باشید (دختر بازن از طبقه بالای جامعه عثا بیری کوچ روممنی) که اگر او خود این کارها را انجام دهد می‌گویند او خسیس است و نمی‌خواهد بکسی پول دهد کسه برایش کار کند. کار زن یا مرد از طبقه بالا یا پائین آنچنان مورد تقدیر نیست مگر اینکه با "زرنگی" همراه باشد و شخص زرنگ تند و با مهارت و زیرکی کار می‌کند. اگر این شخص پرکار و زرنگ "مردم‌دار" نیز باشد آنگاه او شخص موفقی است. کلمسه "مردم‌دار" بیشتر برای طبقه بالا و "میهمان نواز" برای طبقه پائین استفاده می‌شود.

تعریف "مردم دار" نیز اینست که فرد آنچنان با مردم (هم افراد هم طبقه و هم طبقه پائین) رفتار کند که اعتماد و حمایت آنها را جلب نماید. البته باید توجه داشت که از این نظر زندگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا نمی‌باشند و مثلاً یک عمل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز هست. بنابراین کار و فعالیت‌هایی که همراه

با "زرتگی" و "مردم داری" باشد به مرتبه سیاسی و اجتماعی شخص کمک میکند. یک زن زرتک زیاد، تند و بازپرکی کار می‌کند و او برده نمی‌شود زیرا او خانواده و جامعه را بخود محتاج می‌کند. او یک "مازاد" برای جامعه خود نیست و چنانچه دکتر باسسم تعریف می‌کند، او "فقیر و بی‌کار" نیست.

"زنان ممکن است بی‌کار و بی‌قدرت باشند و بدین خاطر فعالیت‌های تولیدی آنها بی‌اهمیت جلوه‌کند و حتی بحساب نیاید. معمولاً این حالت وقتی بوجود می‌آید که تخصص در کار منزل چون خانه‌داری و بچه‌داری و خدمات دیگر بوجود آمده باشد. بخاطر این تخصص نیروی کار زن استثمار می‌شود. اگر نیروی زن در برابر درخواست جامعه زیاد باشد، آنگاه مرتبه زن پائین آورده می‌شود."^(۸)

جنگ و غارت

بهرمودی بمن گفت: "همانطور که امروز مردم دیپلم و مدرک دارند، آن روزها از افراد می‌پرسیدند در کدام غارت شرکت کرده‌اند؟" و ادامه داد: "بسرای اطمینان از معیشت آینده دخترمان هیچوقت او را بکسی که گذشته خوبی نداشت نمی‌دادیم."

غارت فعالیت بسیار مهمی بود و قوانین زیادی داشت هم‌راجه به نحوه عمل و هم برای تقسیم غنائم هم برای لباس زمان غارت و طوایف و تیره‌هایی که مورد غارت قرار می‌گرفتند.

نقش زنان در جنگ و غارت چه بود؟ آخرین جنگ درون ایلی را که طی آن ۱۱ نفر کشته شدند، یک زن سبب شده بود.

نقش زنان در جنگ و غارت چه بود؟ مسبب آخرین جنگ درون ایلی که طی آن ۱۱ نفر به هلاکت رسیدند، یک زن بوده است!

گذشته از این "اگر یک زن در یک کاروان که قرار بود مورد غارت قرار گیرد وجود داشت بخاطر احترام بوی از غارت کاروان صرف نظر می‌کردیم... اگر روستا یا گروه کوچکی مورد غارت قرار گرفته بود و زنی می‌آمد و طلب متاع غارت شده‌اش را می‌کرد این متاع با او بازگردانده می‌شد."

این مطالب را یک خان بمن گفت. معمولاً زنان در جنگ و غارت تنها جمعی شرکت نمی‌کردند اما چنانچه راجع بناحیه کهگیلویه هم نشان داده شده^(۹)، امکان شرکت زنان در جنگ تنها جمعی در شرایط خاصی وجود دارد. راجع به خود زنان معنی بمن گفته‌اند زنان برای جنگ‌های کوتاه مدت بخصوص سرفند قوای دولتی شرکت می‌کردند و این برای تشویق مردان برای حمله هر چه شدیدتر بدشمن بود.

زنان بیشتر در جنگ‌های تدافعی شرکت می‌کنند. البته آنها با اسب سواری و تیراندازی آشنایی دارند و هنگام حمله با آنها از این نظر که می‌توانند نزدیک

محل زندگی خود بدانند و کمک کنند، بیشتر فعال هستند.

آنها از نظر تهیه غذا برای مردانشان در بیخ نمیکنند و با گل زدن آنها را بچنگ تشویق نمیکنند. کار مداوم ای آسیب دیدگان جنگی با زنان است. زنان اگر بمیدان جنگ بروند، کسی با آنها حمله نمیکنند، آنها را هدف گلوله قرار نمیدهد. به این خاطر، آنها برای آوردن معدومین و باکشته شدگان بمیدان جنگ میروند. آنها را سپس بخانه میآورند و برزخ آنها مرحوم میگذارند و اگر کشتهای داشته باشند او را برای دفن آماده میکنند. بزنان هیچگاه بعد از یک جنگ تجاوز نمی شود و آنها هیچگاه بصورت غنیمت جنگی برده نمی شوند. توجه داشته باشید که اینها رسومات درون ایلمسی میباشد و تنها باری که در تاریخ کنونی ممسنی زنان از جانب دشمن مورد خطر تجاوز قرار گرفتند، در سال ۱۲۱۵ بود که مورد تهاجم نیروهای دولت مرکزی فارس واقع شدند. (۱۳) چنانکه ملاحظه میشود، هر چند جنگ فعالیتی مردانه میباشد، اما زنان از نزدیک با واقعیت آن آشنایی دارند. اما باید تذکر داد که جنگ فعالیتی است که بیشتر افراد طبقه بالا با آن مبادرت میورزند.

"جوامع کوچ رو دامدار معمولاً جوامعی هستند که در آنها فعالیتهای جنگی نقش مهمی را ایفا می نماید... داشتن و استفاده از حیواناتی که در جنگ مورد نیازند، معمولاً منحصر به اشراف است که خود نمابنده جنبه مهمی از قدرت آنها میباشد.

مردی بیضا عتی از اهالی اویون بمن گفت: "من بحضرت ابوالفضل قسم خوردم که هیچوقت دزدی نکنم." البته "دزدی" با "غارت" که در بالابدان اشارت رفت تفاوت دارد. "غارت" فعالیت گروهی و مستلزم همکاری و تصمیمگیری افراد شرکت کننده است. دزدی فقط چند نفر شریک هستند و اجناس دزدی شده مقدارش نیز اندک است و درصدی از آن بخان تعلق نمیگیرد.

آخرین نکته قابل توجه راجع به نقش زنان در امر غارت و دزدی نقش رابط است که آنها میتوانند بازی کنند. یک زن ممکن است دارائی فردی را با اطلاع فرد علاقمند برساند و هدیه ای در برابر این نقش تقاضا نماید. و اگر از ارج خدمتش راضی نباشد، ممکن است بشخص اول اطلاع دهد که شیء دزدی شده وی کجاست و در عوض چنین اطلاعاتی هدیه ای در یافت کند.

شکار و جمع آوری گیاهان

شکار فعالیتی است که مردان و آنهم بحدت بدان اشتغال میورزند. در

پایتز آن مردانی که دارای تفنگ بوده (باز منظور افراد طبقه بالا است) و به کار بردن آن معمول اشتغال ندارند، بشکار بز وحشی و کبک و غیره که در کوهستانهای اطراف یافت میشوند، میروند. زنان بشکار نمیروند.

اشياء زير طی سال جمع آوری می‌شود: چوب‌وهيزم و علوفه برای دامو سبزیجات برای استفاده روزانه در غذا. مردان برای آوردن هيزم چندین بار در هفته به جنگلهای و بیته‌های اطراف می‌روند و با الاغ بار خود را برده می‌آورند. زنان در محور کوچکتری از دهه چوبیهای سبکتر را جمع آوری می‌کنند. جمع آوری علوفه از اطراف دهه کار یکی از افراد خانواده است. پیریا جوان، دختر یا پسر، مردها کمتر با این کار مشغول می‌شوند. سبزیجاتی را که در غذا بکار می‌رود، دختران و گاهی زنان از اطراف دهه جمع آوری می‌کنند.

زمانیکه بلوط یکی از منابع ارتزاق روزانه بود، بخصوص زمان خشک سالی معمولا پسر جوان خانواده برای کندن و آوردن بلوط به جنگلهای اطراف می‌رفت. آوردن آب از نهر بوسینه زنان انجام می‌گرفت و مردان هیچگاه در این کار شرکت نمی‌جستند. چون سر آب زنان معمولا به صحبت می‌پرداختند تا کار شستشو و آوردن آب را انجام دهند و از نظر اخلاقی درست نبود اگر مردی در کنار زنان مدتی را بگذراند.

کشاورزی

زنان و مردان طبقه پاشین به کشاورزی اشتغال دارند. خان گاهی برای رسیدگی به مزرعه می‌رود. اما بی‌بی بندرت بچنین کاری اقدام می‌نماید. کدخدای معمولاً در مزرعه است و باز زن کدخدا کمتر در مزرعه دیده می‌شود. اغلب خانوادهاى بدون زمین (خوش نشین) کار کشاورزی را انجام می‌دهند.

مردان کارهای سنگینتر کشاورزی را برعهده دارند مانند شخم زدن، بیل زدن و آبیاری. زنان کارهای سبکتری را چون بذر افشانی، وجین کردن و برداشت محصول و چیدن میوه از درختان. در زمستان کار روی زمین خیلی کم است اما از بهار تا پاشیز اغلب روزها مردان و زنان در مزارع هستند. معمول ناحیه عبارتست از: گندم و جو و برنج و انواع حبوبات، کنبج و خشخاش و سبزیجات و میوهجات (اغلب مرکبات). در بهار زنان از ۲ صبح تا ظهر و از ۲ تا ۶ بعد از ظهر در مزارع کار می‌کنند. این ساعات برای مردان کمی بلندتر است چون کار تهیه لبنیات و خانه داری با آنها نیست.

دامداری و تهیه لبنیات

گله‌های بز و گوسفند متعلق به مالکین طبقه بالایی‌هاست. خانواده‌های بدون زمین (خوش نشین) گله ندارند. افرادی از این قشر بچوپانی گله داران طبقه بالا در می‌آیند. روزانه گله‌ها با طرف محل سکونت برده می‌شوند. هر خانواده البته

بفراز خوش نشینان گاوهایش را که ممکن است بین ۲ تا ۷ عدد باشد، روزانه به اطراف ده می‌برد. زن یا مرد، پیر یا جوان با حتی بجه ممکن است این کار را برعهده بگیرد. اما معمولاً مردان این کار را انجام می‌دهند.

زمانیکه اهالی اوپون کوچ می‌کردند گله‌ها را با خود می‌بردند.

چهار خانواده غنی آبادی به دشت ارژن می‌رفتند و این کوچ دو روز طول میکشید. خانواده‌های دیگر به آن سوی تپه‌های غربی ده، در حدود ده کیلومتری محل کنونی نقل مکان می‌کردند.

تهیه لبنیات کار روزانه زنان است و از بهار تا تابستان و کمی نیز در پائیز مدتی از وقت آنان را به خود اختصاص می‌داد. هر روز از ۴ تا ۶ صبح، و از ۱۲ تا ۱ و دوباره از ۶ تا ۷ بعد از ظهر رازنان بدوشیدن شیر و جوشاندن و تهیه ماست می‌گذرانند. از این ماست، کره، روغن، کمی کشک و پنیر نیز تهیه می‌کردند. مردان در کار تهیه لبنیات هیچگونه مشارکتی ندارند.

ریسیدن و بافتن و دباغی

موی بز و پشم گوسفند و پنبه رازنان می‌ریسند و با آن چادر سیاه و جاجیم و کپسه، آرد و سفره‌نان پزی و گاهی گلیم و بندرت قالیچه می‌بافند. دوختن تمام لباسها بوسیله زنان انجام میشود. پوست بز و گوسفند رازنان برای تهیه مشک آب و مشک کره آماده می‌کردند. تمام زنان واقف به چگونگی تهیه مشک نبوده، چراکه کاری بسیار مشکل است و مراحل و مراتب متعددی دارد و بیش از یکماه بطول می‌انجامد.

مبادله کالا

تا حال فعالیت‌های کوناگون زنان و تا اندازه‌ای مردان را بررسی کرده‌ایم. چنانچه جامعه مدد مردم خود کفا باشد باید بحث تبادل را نیز به میسران آوریم. پشم با پنبه‌ای که برای استفاده خانوار ریسیده نشود، فروخته میشود. یک چادر سیاه آماده با جاجیم و فرش نیز ممکن است بفروش برسد. عمل فروش معمولاً بوسیله مردان درناجستان صورت می‌گیرد و آنها متاع را به بازار در شهر مجاور (مثلاً کازرون) می‌برند و با پول دریافت شده، کالاهای زیر خریداری می‌شود: پاچه برای لباس کفش و ابزارخانه و قند و شکر و غیره. زنان بعضی از اشیاء کوچک و ارزان قیمت را خسود از پبله‌وزان می‌خرند. گرچه پبله‌وران گرانتر از مغازه‌های شهری اشیاء خود را می‌فروشند، اما از این نظر که زنان شهر برای خرید با مبادله نمی‌روند از معامله با این افراد اباشی ندارند. کمی پارچه و زینت‌آلات ارزان قیمت و لوازم‌خانه و گیاهان داروئی و قند و چای از پبله‌وران خریداری می‌کنند.

بعضی از مبادلات در درون جامعه صورت می‌گیرد مثل مبادله اشیاء مبادله شده بز با گاو و گوسفند و شیر و سبزیجات. زنان را کارا میدیدم که مشغول این نوع مبادله بودند. همسایگان مواد خوراکی بمقدار استفاده روزانه، ابزار مستعمل را از یکدیگر بصورت قرض می‌گیرند و سپس آن را بازمی‌گردانند. تمام این مبادلات با دقت فراوان صورت می‌گیرد (حتی اگر بصورت هدیه داده شود).

هیچ نوع مبادله بزرگی بدون اطلاع همسر (مرد بازن) صورت نمی‌گیرد.

تا بحال بمبادلات بیرون گروهی و درون طبقه‌ای پرداختیم. حال ببینیم

مبادلات بین طبقات بچه صورت انجام می‌گیرد؟

بین افراد طبقه پائین زن با مرد با خان بایی بی مبادلاتی صورت می‌گیرد که اغلب بصورت دادن پهنکش انجام میشود. (البته این پهنکش مبادلاتی است که در خصوص کشاورزی و دامداری و غارت صورت می‌گیرد). مثلا "غله بگیر" بکنشوع مالیات بر چراگاه است که بصورت هدیه بره یا بزغاله یا روغن در نوروز به خان داده میشود. در سالهای خشکالی و زمان گرفتاریهای مالی حاد خان بایی ممکن است هدایایی به افراد نیازمند بدهند. این هدیه ممکن است اجناسی چون پارچه یا گندم یا قند و جای باشد و یا بخشش مقداری از مالیات سالیانه. برای دریافت هدیه و یا بخشش از خان بایی، مرد ممکن است در مزرعه از خان و یا فرستاده او کمک بخواد و یا بخانه خان برود در حالیکه زنش در منزل دعای خیر می‌کند. در موارد حاد زنان ممکن است از خان یا فرستاده او کمک بخوانند و از بی بی نیز طلب کمک بنمایند.

تولید مثل

ضرب المثلی محلی می‌گوید: "اولاد هیچکس برای شخص دیگری فرزندی نمی‌کند." یا "انتظار نداشته باشید که فرزند دیگری برای شما وظیفه فرزندی را ادا کند." و ضرب المثلی دیگر راجع به فرزند می‌گوید: "صدتا زیاد نیست، یکی کم نیست." در خاور میانه با خصوصیات محیطی آن فرزند یک مازاد نیست. دکتر لوشیز سوئیت می‌گوید:

"خاور میانه با صحراهای کم جمعیت، کمبود آب و یا با تلافیهای دهانه رودخانه‌ها و بارانهای تند موسمی و کوهستان‌های خطرناک و صحراهای سرد و موقعیت جغرافیایی اش که بین دو قاره قرار دارد موردتهاجم استعمار و مهاجرت‌های عظیم قرار گرفته است. نتایج این موقعیت شامل امراض مری دامنه دار رقابت‌های درون گروهی و فشار شدید جمعیتی بوده است. نتیجه فرهنگی چنین موقعیتی را میتوان در بوجود آمدن گروهها و طوایف کوچک دید که زندگی و خط مرزی بی شکنده‌ای دارند. بنا بر این در خاور میانه بیش از نواحی دیگر از زنان حفاظت میشود و زنان بیسمن مکانیسم کنترل جمعیت مثل جنگ و خواست بقا جمعیت گروه و طایفه خود قرار دارند. بدین دلیل زنان نقش بسیار حساس و حتی با مغایرهای رایج عده دارند و این نقش

بمصلحت خود زنان نیز می‌باشند. بسیاری از زنان و همچنین مردانی که من ملاقات کرده‌ام، باین امر واقف هستند. " (۱۱)

اما باید توجه داشته باشیم که بچه‌داری (عمل بچه‌دار شدن) اغلب ساعات زن را نمی‌گیرد، درست خلاف آنچه که دانا را فاشل اظهار می‌دارد:

"اغلب زنان، اکثراً زندگی بعد از دوران بلوغ خود را به حاملگی و با دادن شیر با اولاد و با دلوآپسی راجع باین امور می‌گذرانند." (۱۲)

چنانکه در بخشهای بالا آمد زنان در تولید سهم و فعال هستند و بسیاری از ساعات روزانه خود را باین امور می‌گذرانند. در چند صفحه آینده نیز خواهیم دید که زنان اغلب ساعات روزانه خود را صرف کارهای تولید ارزش مصرفی می‌کنند. اهمیت کودکان بسیار زیاد است و هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، تعداد افراد کارکن بیشتر می‌شود و روابط اجتماعی که خانواده می‌تواند در آینده از طریق این کودکان پیدا کند، بیشتر و جامع‌تر خواهد بود. بهمین ترتیب است که خانواده‌های طبقه بالا بزرگترین خانواده‌ها را از حیث کمیت دارا می‌باشند، بخصوص خوانینسی که بیش از یک زن داشته باشند.

تولید ارزش مصرفی

آماده کردن اشیاء برای استفاده چه با تغییر شکل، چه با جابجا کردن آن ساعات زیادی از زندگی زنان را به خود مشغول می‌دارد. جابجا کردن اشیاء ممکن است از میان برداشتن اجسام ناخواسته باشد مثل شستن یا مرتب کردن خانه و تغییر شکل دادن با اشیاء مثل پختن و دوختن. تمام این تولیدهای ارزشهای مصرفی ساعات زیادی از وقت زنان را بخود اختصاص می‌دهد.

گرچه تمام این فعالیتهای زنان برای افراد خانواده صورت می‌گیرد اما فرق فاحشی ما بین این فعالیتها و آنچه که در بالا ذکر شد، راجع به زایش، شیر دادن به بچه و نگهداری از بچه‌ها می‌باشد.

بعضی از این تولید ارزشهای مصرفی روزانه (روزی دوبار) انجام میشود مثل شستن ظروف و البته هر بار حدود نیم ساعت وقت صرف این کار میشود که البته این مدت بنا بر تعداد افراد خانواده و وجود افرادی که میتوانند این کار را انجام دهند، تغییر می‌کند. جارو کردن اطاق و حیاط روزانه انجام میشود و این روزی حدود نیم ساعت وقت می‌گیرد. مرتب کردن اشیاء خانه مثل ظروف و رختخواب و غیره نیز کار روزانه است که حدود نیم ساعت بطول می‌انجامد. باید توجه داشته باشیم که هر چه دارائی بیشتر باشد وقت بیشتری صرف مرتب کردن و شستشو و بخت و پز میشود. اما باید به این نکته نیز متوجه بود که وقتی دارائی به بیش از یک حد برسد آن موقع مرتبه اجتماعی نیز بالاتر بوده و خدمتکار برای این کارها موجود است.

تهیه نان هفته‌ای چندبار صورت می‌گیرد که البته بسته به تعداد افراد

خانواده است که هر چه بیشتر باشند، دفعات پخت نان نیز افزایش می‌یابد. عامل موثر دیگر تعداد افرادیست که در تهیه نان همکاری می‌کنند که هر چه بیشتر باشند دفعات کمتر میشود چون هر بار مقدار نان تهیه شده، بیشتر خواهد بود.

تولیدات ارزش مصرفی که در فصول مختلف صورت می‌گیرند، مربوط میشوند

به گرفتن آب لیمو و آب نارنج و خشک کردن دانه‌انار. آماده کردن پوست بزباگوسفند برای آوردن آب و پاسته کره، از دیگر فعالیتهای فطری است که در اواخر زمستان صورت می‌گیرد. این کاری است بسیار طولانی و پیچیده که زنان بطور دسته‌جمعی در آماده کردن آن همکاری می‌نمایند.

شستوی تمام اشیاء خانه مثل زیرانداز یا کفپوش و رختخواب و غیره قبل از عید هر سال انجام می‌گیرد. اغلب دوخت و دوز لباسها قبل از عید انجام می‌پذیرد. گرچه مقداری از همین کار طی سال نیز به انجام میرسد. اوایل بهار هنگام شکفتن گل محمدی مقداری از این گلها چیده میشود و از گلبرگهای خشک شده آن برای معطر کردن پرمتکا و بالشها استفاده میشود.

و بالاخره از فعالیتهای دیگر سالیانه تهیه غذای نذری است. البته بعضی از خانوادهها هفته‌ای یکبار نذری میدهند. اما در دهه محرم بیش از هر زمان دیگر، غذای نذری تهیه میشود.

"آیا مردها در این تولیدات ارزش مصرفی شریکند؟"

این سوال بسیار اساسی و درخور تعمق است زیرا:

۱ - این فعالیتهای آماده کردن فرآورده‌ها در تمام جوامع وجود دارد.
۲ - چنانچه این فعالیتهای تولیدی نباشند، ارزش کمتری از فعالیتهای تولیدی دارند.

۳ - گرچه بسیار وقت گیر هستند و اگر انجام نشوند یک خانوار نمیتواند بزندگی عادی خود ادامه دهد اما با این حال وقتی انجام می‌گیرند شخصی انجام دهنده مورد تشویق زیادی قرار نمی‌گیرد.

۴ - این کارهای تکراری هستند که بعد از چندی، بالا بردن سطح مهارت درباره آنها اصولا دیگر مطرح نمیشود.

۵ - این کارها با آمدن "نوسازی" و "توسعه" افزایش می‌یابد پس ترتیب که فعالیت زنان در تولید کم میشود (به بخش بعد رجوع کنید) و با افزایش اشیاء مصرفی کار زنان در زمینه تولید ارزش مصرفی بالامیرود.

مردها قادر به آشپزی و شستوی ظروف و البته می‌باشند چه در موارد استثنائی دیده میشود که این کارها را انجام میدهند اما بطور مداوم در این کارها شریک نیستند. بنابراین گذرا از این خط نامرئی جنسی کار بسیار امکان پذیری است اما در زندگی روزمره این کارزنان توصیف شده است.

آیا بیهی در این کارها شرکت میکند؟ گرچه او بطور احسن از چگونگی

این کارها اطلاع دارد و میتواند آنها را بخوبی انجام دهد، اما کار او اداره دیگران برای انجام دادن این کارها میباشد. خان بیشترین فاصله را با این فعالیتهای دارد.

مداوا

در ابتدای تحقیق زمانی که داشتیم فرهنگ کوچکی از لغات لری تهیه می کردیم، وقتی بفهرست گیاهان درمانی رسیدیم مردها بمن گفتند که بهتر است برای چنین فهرستی با زنان صحبت کنیم. این تخصص آنان است.

البته مرز بین گیاهانی که در غذای روزانه استفاده می شود و آنچه به صورت دوا تجویز می شود، مشخص نیست چه گیاهانی داروئی هستند مثل پنیرک که در فصل روئیدن در غذای روزانه مصرف می شود.

دو زن در ده مداوا را بعهده میگیرند. اما اغلب زنان خود مقداری از این مطالب را می دانند و هر یک حدود ۴۰ نوع گیاه می شناسند و در مواقع لزوم میدانند چگونه از آنها استفاده کنند.

مداوایی که احتیاج با استفاده از گیاهان نداشته باشد، مامائی و جاسا انداختن دست و پا را شامل می شود و آنچه احتیاج به گیاهان داروئی داشته باشد، شامل زخم بندی، مخلوطهایی برای نوزاد و زانو، انواع امراض معمولی چون چشم درد و دل درد و سرما خوردگی میباشد.

این گیاهان یا بوسیله خود زنان جمع آوری می شود و یا آنرا از بیگ پبله و ر و یا از عطاری در شهر نزدیک (مثل کازرون) خریداری می کنند.

توسعه با نوسازی

اشرنوسازی روی زندگی عشا بر مبنای در قسمت های مختلف زندگی دیده می شود. این تغییرات از مواردی که در زیر آمده است سرچشمه میگیرد.

۱ - تدابیر سیاسی که سیستم خان خانی را بر انداخت و ادارات و وزارت خانه های کشوری و لشکری را در محل پایه گذاری کرد. دارائی، دادگستری و مرکز ژاندارمری.

۲ - برنامه های اقتصادی که کشاورزی و دامداری سنتی را بر انداخت (بدون درد دست داشتن برنامه ای ملی که خود کفائی را آنها بنا در نظر داشته باشد) چون اطلاعات ارضی، ملی کردن چراگاهها، بنیانگذاری تعاونیها و بانکهای کشاورزی.

۳ - اثر مواد ۱ و ۲ روی طبقات مختلف و روابط خویشاوندی دیده شد و از ارزش شرکت در فعالیتهای اجتماعی در درون خانواده گسترده و درون طایفه ای و غیره در مقایسه با قبل پائین آمد.

۴ - تدابیر ایدئولوژیک برای تغییر و تحولات در طرز فکر مردم بوسیله

مدارس رادیو و روابطی که اغلب مردان با شهرها داشتند بدون ناحیه نفوذ کرد که در آن راه و رسم زندگی عشایری غیرمتمدن و تحذیرآمیز توصیف شد و از زندگی شهری و باصلاح‌متمدن تجلیل شد.

چند نکته را راجع به بند ۲ باید ذکرکنیم.

اهداف اصلی اطلاعات ارضی و ملی کردن چراگاه‌ها را باید در خاطر داشته

باشیم:

الف. از بین بردن خوانین و روسای ناحیه‌ای که برای بقای نگاه

تهدید دشم بودند.

ب. آوردن تعاونیها و سپس شرکتهای بزرگ کشاورزی که با کمک دولت و

با سرمایه‌گذاران خارجی کنترل میشد. هدف این بود که شرکتهای تعاونی را که

قادر بکار و پیشرفت نبودند از میدان رقابت خارج کنند و خود زمام امور کشاورزی

کشور را بدست بگیرند.

ج. سوق مردم روستاها بطرف شهرها و بوجود آوردن گروه عظیم مهاجرین

شهری یعنی حاشیه‌نشینان - کارگران ارزان -

د. از بین بردن امکان اغتشاش در روستاها بر علیه دولت مرکزی.

ه. بازکردن روستاها به روی صنایع مصرفی بازارهای بین‌المللی.

بعد از این کلیات برگردیم به اوبون و ببینیم نوسازی چه اثری بر

اقتصاد و بطور خاص فعالیت اقتصادی زنان گذاشت. اگر امروز چهل خانوار اوبون

را در نظر بگیریم متوجه تقسیم بندی زیر می‌شویم. هفت مالک وجود دارد که در بین

آنها هیچ مهاجرتی انجام نمی‌شود. سپس آنها می‌باشند که مختصر مینی دارند و یا

هیچ زمین ندارند و در بین این گروه، آنها که بین ۲۰ - ۴۰ سال دارند مهاجرت

می‌کنند و آنها که در سنین بالاتر هستند مهاجرت نمی‌کنند. اینها با بندرت دیده

می‌شوند و بحث راجع به آنها اینجا لازم نیست. کل تعداد مردان مهاجر ۱۷ نفر

می‌باشد. باید متذکر شد که زمان مهاجرت را تمام افراد سال ۱۳۵۴ یکسال قبل از

تاریخ شروع این تحقیق گفتند یعنی زمان آمدن شرکت تعاونی تولیدی در محل.

اثر تغییرات اقتصادی بر روی فعالیتهای اقتصادی زنان چه بوده است؟

برای جواب به این سؤال من با چند گروه مختلف مواجه شدم. اول دختران جوان هستند

که بین ۱۳ - ۱۸ سال دارند و آنها در مزارع بنا بر دستمزد روزانه کار می‌کنند. این

دختران از قشر پائین و بندرت از طبقه متوسط می‌باشند. تعداد آنها ۱۱ نفر است.

روزانه ۸ ساعت کار می‌کنند و سالیانه حدود ۵۰ روز در مزارع جفتدر و پنبه و پاد

باغهای انار و مرکبات برای برداشت محصول، کار می‌کنند. هیچکدام از این دخترها

درس نخوانده‌اند. دختران تحصیل کرده یا هنوز به مدرسه می‌روند و یا کار در مزارع را

پاشینتر از شان خود میدانند.

دوم: زنان نیمه‌سال و مسن هستند که بیشتر از ۴۰ سال دارند. این زنان

تعدادشان ۹ نفر می‌باشد و از اقشار مختلف هستند. روی زمینهای خود کار می‌کنند. آنها بین ۸ تا ۸۰ روز در سال کار می‌کنند و اغلب از عدم دریافت مزد شکایت دارند. توجه داشته باشیم که آنها دستمزد روزانه دریافت نمی‌کنند بلکه از رئیس واحد کشتی روزی خود باید پول دریافت نمایند.

سوم: زنان جوان که بچه‌های کوچک و بزرگ دارند. حدود نیمی از این زنان یک پادوگا دارند که مقداری لبنیات برای استفاده خانواده از آن تهیه می‌کنند (فقط مقداری از روغن تولیدی ممکن است بفروش برسد) خود این زنان و بچه‌های بزرگتر آنها گاوها را روزانه بچرا می‌برند و برای گاوها علوفه می‌برند و می‌آورند. درست کردن ماست و کشک و روغن بعمده این زنان است. در زمانی که گاو شیر میدهد درست کردن ماست کار روزانه است. اما هر سال یکی دو بار بیشتر روغن و کشک درست نمی‌شود. جمع آوری گیاهان خود را از اطراف ده برای استفاده در غذای روزانه بعمده این زنان و بیا دختران آنها می‌باشد. در پاشیز زنان در برداشت محصول باغات میوه کمک می‌کنند. اگر کار زنان را با کار آنها در زمان قبل (بخش قبل) مقایسه کنیم خواهیم دید که از نظر تولید نزول فاحشی در کار آنها دیده می‌شود. چرا؟ ابتدا بخاطر نزول تعداد گله درده فقط یک خانواده کوچک رو وجود دارد و دو خانوادگی دیگر گله دارند.

سپس بخاطر نبودن مردان درده - این مربوط میشود بزنان گروه سوم که در بالا آوردیم - آنها بزمزارع برای کار نمی‌روند. چون اگر زمین هم داشته باشند، آن را از خود نمی‌دانند که بخواهند روی آن کار کنند. اگر شوهرها پشان و پسا اقوام نزدیکشان روی زمین کار می‌کردند آنها نیز آنها می‌رفتند. اما حالا که زمین از آنها نیست نمی‌روند (منظور صرفاً مالکیت نیست بلکه محصول یا منفعتی است که به آنها می‌رسد).

گروه دوم زنان - یعنی زنان مسن - به بزمزارع می‌روند چه شوهرانشان درده هستند اینها یا مردان غنی تر هستند و یا بالای ۲۰ سال دارند. در تسولیند اقتصادی، فعالترین زنان، زنان مسن (گروه دوم) و دختران جوان (گروه اول) هستند اما هر دوی آنها در مدت زمان کمی ناپدید خواهند شد و جای خود را به گروه سوم خواهند داد یعنی به زنان خانه‌دار که در تولید بمقدار بسیار اندکی سهمند و اغلب وقت خود را در تسولیند ارزش صرفی می‌گذرانند. دخترهای جوان ازدواج خواهند کرد و به گروه سوم خواهند پیوست و تعداد کمتری جای آنها را خواهند گرفت. چه تعداد کمتری از دختران هستند که اصلاً درس نخوانده باشند و کشاورزی کنند. زنان مسن نیز از دنیا خواهند رفت.

حال بد نیست چند کلمه‌ای هم راجع به فعالیت‌های درآمدزای زنان بگوئیم. تعداد زنان درآمد دار ۸ نفر است. دو زن درده از تهیه لبنیات درآمدی عایدشان میشود و روغن منبع این درآمد است. اینسن دوزن حدوداً چهل سال دارند. دوزن دیگر کارهای دستی انجام میدهند یکی مشک میدوزد و دیگری فرش و سفره و اجناس دیگر

میباشد. زنان دیگری که عایدی دارند هم از راه دوختن لباس برای دیگران است. اگر این فعالیت را با زمان قبل مقایسه کنیم میبینیم هر یک از زنان لباس خود را خود میدوخت گرچه حالا دوخت و دوز کاری شده که مستلزم داشتن چرخ خیاطی میباشد.

زن مغازه دار ده (که از کازرون به اینجا آمده) بیشترین عایدی را از این طریق دارد. سایر زنانی که خیاطی می کنند، زنان جوانی هستند (که از سه سال پیش از زمان تحقیق) شروع به این کار کرده اند. (زنان ده مثل بی بی ها توجه بسیار زیادی صرف دوختن لباس میکنند که البته احتیاج بی پول و وقت زیاد دارد.) در آخر یک زن دیگر هست که پول قابل توجهی عایدش میشود و این مقدار حدود $\frac{1}{4}$ درآمد این خانواده قشر پائین ده میباشد. (این مقدار ۳۰۰۰ تومان میباشد و درآمد کل ۱۸۰۰۰ تومان در سال است.)

چند سطری نیز از اقتصاد دانان نامارکی دکتراستری بازراب، کاملاً بجا است: " توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون انکار شامل بهم خوردن تقسیم کار که بطور سنتی بین دو جنس مرد و زن برقرار شده بود، میباشد. با مدرنیزه کردن کشاورزی و مهاجرت به شهرها یک فرم تازه در کار تولیدی باید بوجود آید. خطرواحی در راه چنین تغییراتی متوجه زنان میباشد که از نقش تولیدی خود محروم شده اند و بدین ترتیب تمام جریبان رشد کنند تر خواهد بود." (۱۳)

بنابراین میتوانیم بگوئیم که نقش تولیدی زنان در زمینه اقتصاد خانوار نزول یافته است. گرچه قبلاً روغن، کشک، اجناس بافته شده با پشم ریسیده عایدی اصلی خانواده را تأمین میکرد، حال تولید آنها به حداقل رسیده است. کارهای روزانه آنها در جهت تولید ارزشهای مصرفی میباشد.

"تقریباً در تمام کشورها و در میان تمام طبقات، زنان در مقایسه با مردان مرتبه خود را از دست داده اند، توسعه بخاطر فرقی که بین درآمد زن و مرد بوجود آورده است زندگی زنان را بهبود بخشیده است، بلکه اثر معکوسی بر روی آنان گذارده است." (۱۴)

اولین گروه مردان که از ده مهاجرت کردند با هدایای صنایع مصرفی مثل پارچه لباسی و پرده ای و پتو و ضبط صوت بنده بازگشتند. آنها شیکه در جزیره کوش کار میکردند با ویسکی و سیگار و پینستون ارزان بازگشتند. نظریه اینکه مردانی که مهاجرت میکردند در سنین ۲۰ - ۴۰ سال بودند، زنان جوان آنها علاقمند بدربافت هدایای آنها بخصوص پارچه و پرده و پتو بودند. دختر عمه آنها مرد کوچ رو ده داشم با و نصیحت و گوشزد میکرد که گله خود را بفروشد و گامیونی بخرد و مسافر کشی کند و با برود در شهر کار کند. او شوهرش را نیز تشویق بمهاجرت کرده بود. گرچه او ترجیح میداد در ده بماند و به کشاورزی خود ادامه دهد.

چنانچه قبلاً گفتیم یکی از فعالیتهایی که زنان بان توجه خاص دارند درست کردن لباس گران قیمت خود میباشد. این انگیزه با هدایایی که مردان برای آنها

می‌آورند تقویت شده است. بسیاری از بی‌بی‌ها نیز گرچه در شیراز زندگی می‌کنند و لباس شهری می‌پوشند اما برای سفر به ممسنی لباسهای محلی میدوزند و برای این کار پول و وقت زیاد مصرف می‌کنند. زنان طبقه پائین حداکثر سعی خود را می‌کنند که از آخرین مداهای جدید که بوسیله بی‌بی‌ها آفریده شده است، تقلید نمایند. این ابداعات ممکن است در چین پائین دامن بایقه، پیراهن و یا پارچه مورد استفاده باشد. در هر صورت دامن لباس محلی به ۱۲ - ۱۵ متر میرسد و معمولا ۳ دامن پوشیده میشود. تعداد آن در موارد عروسی و یا میهمانیهای مهم به هفت دامن نیز میرسد!

حال به نقش زن در تولید مثل بپردازیم:

"ترویج تخلیفات راجع به کنترل زایش مطمئنا اثر عمیقی روی جوامعی که در آن مرتبه، زنان بطور سنتی با تعداد فرزندی که داشتند در ارتباط مستقیم بود، گذاشت." (۱۶)

"فرزند کمتر، زندگی بهتر" شعاری بود که در تمام نقاط ایران معروف بود. بزرگ کردن فرزندان امروز خرجی بیشتر از گذشته دارد چون بچه‌ها به مدرسه می‌روند و در تولید نیز شریک نیستند. خرج لوازم تحریر و لباس مرتب که بچه باید بپوشد و به مدرسه برود یکی از موارد مهمی است که والدین از خرج زیاد آن شکایت دارند. خانواده‌های طبقه بالا بخاطر داشتن وسایل بهتر برای کنترل زایش در این امر موفق‌تر از طبقات پائین هستند نوزادی را دیدم که مادرش شکایت کنان میگفت این چهارمین بچه من است که بعد از شروع به استفاده از روشهای حاملگی پیدا کرده‌ام! دو نوزاد دیگر همزمان با او درده متولد شدند و همه آنها نتیجه تجهیز روش جلوگیری از حاملگی از طرف یک پزشک بودند! زنانی که از قرص‌های ضد حاملگی و نظایر چنین تدابیری استفاده می‌کنند همه از چاقی، ناراحتی معده، درد دست پاها و غیره شکایت می‌کنند.

زنان طبقه پائین استفاده ناموفق‌تری از این تدابیر می‌کنند و تعداد فرزندانشان بیشتر از خانواده‌های طبقه بالاست و در نتیجه این امر البته وضع اقتصادی شان ضعیف‌تر نیز می‌شود. از دیدگاه زن، می‌توانیم بگوئیم که قدرت زایش زن بصورت "مازاد" درآمده است و حتی خود او بر این قدرت بصورت یک آزار و بلا مینگردد. (البته این وقتی است که بچه‌هایش بیش از تعداد محدودی باشند.) "اگر زیاد بچه داشته باشی دیگر نمیتوانی با آنها رسیدگی کنی، آنها را تمیز نگاه داری به مدرسه بفرستی و انتظار آینده خوبی را برایشان داشته باشی." این نوع استدلال را من به کرات شنیده‌ام.

مطلب آخری که باید در اینجا ذکر کنیم حمله‌ایست که متوجه دانستنی‌های زنان در مورد مهمترین فعالیت تولید ارزش مصرفی مداوا شده است. چنانچه قبلا گفتیم مداوا بوسیله گیاهان دارویی و غیره بوسیله زنان صورت می‌گرفت اما با آمدن طب غربی زنان دیگر از طب سنتی استفاده نمی‌کنند. به بچه‌هایی که از حدود سال ۱۳۵۴ بدنیا آمده‌اند، مخلوط داروهای گیاهی داده نشده است.

گذشته از این به دانستن زنان بدیده، تحقیرنگاه می‌کنند و حتی به خود زنان که پیش از مردان بخاطر مسئولیتهای خانوادگی و احتیاجات شخصی به مراکز بهداشتی رجوع می‌کنند با حالت تحقیر آمیزی رفتار می‌شود. طی چند روزی که در درمانگاه شرکت تعاون و تولیدی گذراندم دیدم چگونه دکتر با ورود مریض به مطبخ و قبل از هر نوع معاینه‌ای برای او با اصطلاح نسخه مینویسد. گذشته از این خود دکتر بمن میگفت: "ما همه چیز کم داریم از اسپیرین گرفته تا آب مقطر و دارو برای چشم درد بچه‌ها". و بالاخره آنچه که بیش از همه ناراحت‌کننده بود تذکرات پهایبی دکتر بزنان بود که آنها کثیف هستند و بچه‌ها را تمیز نگه‌نمیدارند (بدون اینکه در نظر بگیرد که "کثافتی" که اغلب بر چهره و دستهای بچه‌ها بود چیزی جز آب و خاک نبود و بر آن شرایطی که آنها زندگی می‌کردند "تمیزترین نگاه داشتن آنها غیر ممکن بود").

نتیجه

چنانچه برای نواحی مختلف در حال توسعه دنیا نشان داده شده است در ایران نیز توسعه اثر منفی روی زنان داشته است. حمله به سنت و پشتیبانی از نوع زندگی غربی و آزادی آنها و آزادی زنان طبقات بالا و تحصیل کرده در ایران (به بالا رجوع کنید) حمایت از تفوق آمریکا بر ایران است. اگر جنبش‌های زنان در خود آمریکا را در نظر بگیریم می‌بینیم داشتن چنین ایده‌آل‌هایی پشتیبانی از یک ضد - مدل است. چه زنان آمریکایی با تظاهرات گسترده خود نشان دادند آنها آزادیهای خیالی که معمولاً صحبتش می‌شود چیزی جز بندگی برای شکوفایی استعدادهای آنان نیست. گذشته از این موضوع زنان ایران در زمان شاه در چارچوب سیاست کلی کشور مطرح می‌شوند و این چارچوب خود می‌بایستی زمینه‌ای برای تحقیق با دیدی روشن و انتقادی می‌گشت و دست‌آویز تبلیغات زمان خود نمیشد. در این مقاله من نشان داده‌ام که با تفهیراتی که در تقسیم کار بین زنان و مردان بوجود آمد از فعالیت تولیدی زنان کاسته شد. و برانگاز آنها بردست‌مزد مردها افزوده شده است.

باید توجه داشته باشیم که با در نظر گرفتن اثر منفی اطلاعات ارضی در ایران بر روی زنان، ما با اصل نوعی اطلاعات ارضی بیشتر مخالف نیستیم بلکه با آن چه در ایران بوقوع پیوست مخالفیم. به همین ماصرفاً با طب غربی مخالف نیستیم ولی با آنچه در ایران به اسم طب بر مردم مستولی میگشت مخالفیم. در حالی که اگر هدف واقعاً سلامت مردم بود بگونه‌ای دیگر این طب مورد استفاده قرار می‌گرفت و طب سنتی تحقیر نمیشد و زنان نیز در نقش خود بصورت مداوم با این نقش ادامه میدادند و... بسیاری از این تغییرات ناشی از "توسعه" در ایران بر مرتبه زنان اثر معکوسی داشته است. البته اگر از نظر سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی موضوع را مورد بررسی قرار دهیم به نتایج کاملتری دست می‌یابیم. باید در نظر داشته باشیم که مطالب بالا از یک جامعه عشائری کوچ روی اسکان داده شده، بدست آمده است و تحقیق در مورد عشایر کوچ رو و روستائیان و زنان شهری لازم و مورد احتیاج است تا بتوان به کلیاتی هر چند مختصر در مورد زنان ایران دست یافت.

Leacock, E., "Class, Comodity and the Status of Women" in -1
Toward a Marxist Anthropology, edited by S. Diamond, p.189
Mouton Publishers, The Hague, 1979.

Shaar, Stuart, "Orientalism at the Service of Fascism" -2
in Journal Race and Class, pp.73-74, Summer 1979.

Pakizegi, B., "Legal and Social Positions of Iranian Women" -3
in Beck, L. and Keddie, N. Women in the Muslim World, pp.216
- 226, Harward University Press, 1978.

Afshar, Haleh " The Position of Women in an Iranian
Village", IDS Seminal -t Sussex, 1980.

Beck, L. and Keddie, N. Women in the Muslim World, Edi- - 2
tors, Introduction by the editors, p.18, Harvard University
Press 1978.

د - همان کتاب، ص ۱۴.

۶ - رساله دکتری سهیلا میرشمس شهبانسی بنام

The Four Seasons of the Sun: An Ethnography of Women of
Oyun, A sedentized Village of the Mamasani Pastoral
Nomads of Iran, May 1980, New School for Social Research,
New York.

۷ - آمارنامه استان فارس، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، شماره
مجلس ۲۷۱، ۱۳۵۳.

Bossem, L. "Women in Modernizing Societies" in American - 8
Ethnologist, p.591, 1975.

۹ - صفی‌نژاد، جواد ارت، "درآمدهای غیرمستمرخان در دوره خان خانی"، در مجله
دانشگاه، شماره ۶، سال دوم، نشریه مرکزی دانشگاه تهران، صفحه ۲۲ (۵۲-۱۰)
۱۳۵۵.

۱۰ - فسانی، حسن تاریخ فارسنامه ناصری " تجدید چاپ از انتشارات کتابخانه
سنایی، شهرآزاد.

- ۱۱

Bonte, Pierre "La Guerre Dans Les Societes D'eleveurs
Nomades" dans Etudes sur Les Societés de Pasteurs Nomades,
Les Cahiers du Centre D'Etudes et de Recherches Marxistes,
No.133. pp. 42-43, Paris, 1977.

- ۱۷

Sweet, Louise, "In Reality, the Middle Eastern Woman" in Mathiasson, C.J. Many Sisters: Women in Cross-Cultural Perspectives, Free Press, N.Y., 1974.

- ۱۷

Raphael, D., editor "being Female, Reproduction, Power and Change", Introduction, P.1 Mouton and Co., The Hague, 1975.

- ۱۷

Boserup, E., "Woman's Role in Economic Development", p.5, St. Martin's Press, N.Y., 1970.

- ۱۵

Tinker, I., " the Adverse Impact of Development on Women" p.22, in Women and World Development edited by Tinker I. & Bransen M.B. & Buvinic, M.Praeger Publishers, N.Y., 1976.

- ۱۶

Boserup, E. " Woman's Role in Economic Development", P.224 St.Martin's Press, N.Y., 1970.



دکتر محمد مصدق - مجلس چهاردهم

... ملت ایران طالب استقلال است و آن را به هیچ قیمتی از دست نمی‌دهد، ملت می‌خواهد که خارجی از این مملکت برود و در امور ما مطلقاً دخالت نکنند و انتظار دارد که لفظاً و معنای استقلال او را محترم شمارند...
... ایرانی باید خانه خودش را خودش اداره نماید...